

بررسی چالش‌های رتبه‌بندی بین‌المللی دانشگاه‌ها با تأکید بر دانشگاه‌های ایران

نرگس موسوی^۱، دکتر یداله مهرعلی‌زاده^۲، دکتر حمید فرهادی‌راد^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز

^۲ استاد دانشگاه شهید چمران اهواز

^۳ استادیار استاد دانشگاه شهید چمران اهواز

نام نویسنده مسئول:

نرگس موسوی

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی چالش‌های پیش روی نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بود. این پژوهش مطالعه‌ای کیفی است و با رویکردی تحلیلی-تفسیری تلاش شده است چند مساله مهم در این زمینه بررسی شوند. بر این اساس اطلاعات لازم از چندین منبع یعنی: الف- منابع و مقالات علمی موجود در مجلات علمی کشور طی سال‌های ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۵ ب- اسناد برنامه‌های توسعه کشور بعد از انقلاب اسلامی کشور ایران در زمینه رتبه‌بندی دانشگاه‌ها، ج- دیدگاه‌های نظری صاحب‌نظران و مدیران ارشد کشوری در مجلات د- بررسی مقالات و مطالب سایت‌های اینترنتی، روزنامه‌ها و سایت‌های خبری دستگاه‌های اجرایی وابسته به امور رتبه‌بندی دانشگاه‌ها ه- تجربه زیسته نگارندگان بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که نظام‌های رتبه‌بندی که هم‌اکنون مورد استفاده قرار می‌گیرند علی‌رغم مزایایی که دارند، با ابهامات و مشکلاتی روبرو شده‌اند. مشکل جامعیت، دشواری سنجش کیفیت، مأموریت‌های خاص و متفاوت مؤسسات آموزش عالی، یکسان نگری مؤسسات و مقایسه پذیر نبودن، ابهام در وزن دهی معیارها و ابهام در اعتبار نتایج قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی: رتبه‌بندی دانشگاه‌ها، آموزش عالی، چالش‌های رتبه‌بندی، تحلیل کیفی.

مقدمه

آموزش عالی^۱ به عنوان یکی از مهم ترین مراحل آموزش رسمی در سیر حیات خود نقش های مختلفی برای توسعه کشور بر عهده داشته که از جمله ی آن ها می توان به تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه، ترویج و ارتقای دانش، گسترش زمینه تحقیق و پژوهش و به طور کلی فراهم نمودن زمینه ی مساعد برای توسعه و پیشرفت کشور، اشاره کرد (بیرامی و رحیمی راد، ۱۳۹۳). در این خصوص مهرعلی زاده (۱۳۹۵) معتقد است نظام آموزش عالی کشور ایران در طول دو دهه گذشته با چالش ها و مسائل بسیاری از قبیل ایجاد مراکز متعدد تحت عنوان دانشگاه آزاد و یا مؤسسات غیرانتفاعی، کمبود بودجه و رشد فزاینده دانشجویان و متقاضیان ورود به دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی مواجه بوده است؛ به همین دلیل نظام آموزش عالی برای مقابله با این چالش ها ناچار است که به بهبود و ارتقای کیفیت^۲ در محیط آموزش عالی توجه کند. در صورتی که کمیت و کیفیت دانشگاه ها مطلوب نباشد تحقق برنامه توسعه کشور با توجه به نقش مهم آموزش عالی دچار مشکل خواهد شد. جهت مقابله با این چالش ها بهترین رهیافت ممکن کیفیت است.

درواقع کیفیت در رأس امور سازمان ها قرار دارد و بهبود کیفیت از دغدغه های اصلی آن ها است. خدمات آموزشی به ویژه خدماتی که از طریق دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه می شوند، نقش اساسی در توسعه یافتگی جوامع دارند؛ بنابراین توجه به ارتقاء کیفیت خدمات آموزشی و پژوهشی به طور مستمر، مسئله ای ضروری به نظر می رسد (نورالنساء و همکاران، ۱۳۸۷). به طور کلی، رسالت و اهداف آموزش عالی در سه حوزه آموزش، پژوهش و خدمات بوده که برای ارزیابی و بهبود کیفیت آموزش عالی باید شاخص های مربوط به هر حوزه با درک رابطه سیستماتیک آن ها مورد توجه قرار گیرد (بیرنباوم^۳، ۱۹۹۸).

ارزیابی^۴ آموزش عالی عبارت است از: فرایند تعیین، تهیه و گردآوری داده ها و اطلاعات به منظور قضاوت درباره ی عوامل نظام آموزش عالی برای تصمیم گیری جهت بهبود ارزیابی در نظام های آموزشی. ارزیابی آموزش عالی ابزاری است که می توان از آن برای تحقق هدف های نظام آموزش عالی استفاده کرد (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳). سیستم های ارزیابی علاوه بر ماهیت درون سازمانی که دارند، با اهداف برون سازمانی نیز طراحی می شوند، مثلاً به این خاطر که افرادی که خواهان بهره گیری از نوع خاصی از خدمات هستند، بتوانند از میان سازمان ها و نهادهای ارائه دهنده ی آن نوع خدمت، برترین ها را شناسند. از اینجا می توان مشاهده کرد که سیستم های ارزیابی را دست کم می توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد: سیستم های ارزیابی معطوف به «تحلیل و توسعه» و سیستم های ارزیابی معطوف به «رتبه بندی»^۵ (تاجیک، ۱۳۸۷).

نظام های رتبه بندی ابزارهایی برای سنجش نقاط قوت و ضعف دانشگاه ها هستند. این نظام ها امکان مقایسه عملکرد دانشگاه های مختلف با یکدیگر را فراهم می آورند. بدین ترتیب دانشگاه ها درکی از جایگاه ملی و بین المللی شان در عرصه های آموزش، پژوهش و اثرگذاری اقتصادی و اجتماعی خواهند داشت. درک این مسائل سرآغاز برنامه ریزی برای ارتقای علمی است. شاخص ها و نمراتشان در نظام های رتبه بندی همانند خط کشی عمل می کنند که میزان موفقیت دانشگاه را در مقایسه با همتایانشان نمایان می کنند؛ اما از نظام های رتبه بندی باید فکروانه بهره جست؛ به عبارت دیگر تمرکز بیش از اندازه بر نظام های رتبه بندی بدون درک عمیق آن ها باعث آسیب پذیری نهادهای علمی می شود (دهقانی، ۱۳۹۴).

تجزیه و تحلیل های جدی و بحث های وسیع در مفاهیم رتبه بندی به عنوان پدیده ای نوظهور در آموزش عالی، امری مهم و قابل توجه است. روش های مورد استفاده و شاخص های منتخب هر یک از نظام های رتبه بندی باید به درستی تجزیه و تحلیل شوند و در مورد اهداف ادعا شده در این نظام ها، بررسی های لازم صورت پذیرد. رتبه بندی و سطح بندی دانشگاه ها همواره از موضوعات مورد توجه کشورها بوده است. رتبه بندی در صورتی که علمی انجام گردد می تواند منبع اطلاعاتی برای انجام ارزیابی و بررسی کارایی و اثربخشی درونی و بیرونی و اعتباربخشی مؤسسات آموزش عالی در مقیاسی گسترده تر فراهم سازد. رتبه بندی دانشگاه ها می تواند کارکردهای مثبت و یا منفی به دنبال داشته باشد (مهرعلی زاده، ۱۳۹۵).

در سال های اخیر بحث رتبه بندی نیز در نظام آموزش عالی ایران مورد توجه قرار گرفته است که بی شک این امر نیازمند به کارگیری روش مناسب ارزیابی در سطح نظام دانشگاهی، بر اساس مؤلفه های برخاسته از مأموریت ها، وظایف و کارکردهای آن ها است. همان گونه که عنوان شد باوجود دانش و تجربه قابل قبول در حوزه ارزیابی کیفیت در سطح گروه های آموزشی، تاکنون در سطح دانشگاه یا موسسه، دانش و تجربه قابل قبولی ارائه نشده است و از سویی دیگر در این آشفته بازار شاهد ارائه پیشنهادها و چارچوب هایی برای ارزیابی و رتبه بندی دانشگاه ها بدون توجه به ماهیت و ویژگی های نظام دانشگاهی هستیم.

درواقع رتبه بندی دانشگاه ها کاری چالش برانگیز است، زیرا هر موسسه ی آموزش عالی با تمرکز بر مأموریت خاص خود به ارائه ی برنامه های آموزشی می پردازد، همچنین مراکز آموزشی از نظر اندازه و میزان دسترسی به منابع باهم متفاوت هستند علاوه بر آن هر کشور سیستم و نظام آموزش عالی خاصی دارد که ساختار مراکز آموزشی و دانشگاه ها تحت تأثیر آن است. از این رو رتبه بندی دانشگاه ها خارج از مرزها عاملی با معیارهای واحد و هم سنخ کار بسیار دشواری است (شین جونگ چول^۶، ۲۰۱۱). در هر حال، با توجه به اینکه رتبه بندی ملی و بین المللی مسیری اجتنابناپذیر برای ارتقاء کیفی آموزش عالی می باشد لازم است آسیب ها و چالش های نظام های رتبه بندی دانشگاه ها برای مرتفع کردن و بهبود آن ها و بالا بردن اعتبار خروجی این نظام ها مورد بررسی قرار گیرد.

بنابراین در این تحقیق سؤالات زیر بررسی خواهند شد:

۱- نظام های رتبه بندی جهانی با چه چالش های اساسی مواجه هستند؟

۲- آیا خروجی و برونداد نظام های رتبه بندی جهانی جامعیت و اعتبار لازم را دارند؟

1. Higher Education

2. Quality

3. Birnbaum

4. Evaluation

5. ngRanki

6. Shin Jung Cheol

۳- چالش‌های نظام موجود رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در کشور ایران کدامند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع پژوهش‌های تحلیلی و تفسیری است و می‌تواند مورد استفاده محققان، دانشجویان، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی قرار گیرد. این پژوهش یک مطالعه کیفی است. برای بررسی مقاله حاضر از روش تحلیل اسنادی استفاده شده است. در این روش با رویکردی تحلیلی-تفسیری تلاش شده است سؤالات مقاله که جنبه توصیفی - تحلیلی دارند بررسی شوند. بر این اساس اطلاعات لازم از چندین منبع یعنی: الف- منابع و مقالات علمی موجود در مجلات علمی کشور طی سال‌های ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۵، ب- اسناد برنامه‌های توسعه کشور بعد از انقلاب اسلامی، ج- دیدگاه‌های نظری صاحب‌نظران و مدیران ارشد کشوری در مجلات، د- بررسی مقالات و مطالب سایت‌های اینترنتی، روزنامه‌ها و سایت‌های خبری دستگاه‌های اجرایی وابسته امور رتبه‌بندی دانشگاه‌ها ه- تجربه زیسته نگارندگان مربوط به نظام‌های رتبه‌بندی با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا بررسی شده است.

یافته‌های پژوهش

استفاده از رتبه‌بندی در آموزش عالی یک موضوع جذاب و در عین حال بحث‌برانگیز است. اگرچه تاریخچه رتبه‌بندی‌ها زیاد نیست، اما یک موضوع مهم در سیاست و تصمیم‌گیری‌های آموزش عالی شده است. رتبه‌بندی‌ها اهداف متفاوت دارند و مخاطبان متفاوتی را مورد خطاب قرار می‌دهند. (دیمیتریوس و النی، ۲۰۱۲). نتایج این رتبه‌بندی‌ها می‌تواند برای مدیران دانشگاه، مسئولان و برنامه‌ریزان به عنوان یک الگو عمل کرده و با شناسایی مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف و مشخص کردن راه توسعه به پیشرفت و ارتقای کیفیت دانشگاه کمک کند. بدون تردید وجود یک نظام رتبه‌بندی مطلوب و با شاخص‌های مناسب که از بروندهای قابل اعتمادی برخوردار باشد برای عموم ذی‌نفعان آموزش عالی به‌ویژه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران مفید خواهد بود. در زیر برخی از دلایل ضرورت ورود به نظام‌های رتبه‌بندی بیان می‌شود.

ضرورت ورود به سیستم‌های رتبه‌بندی بین‌المللی:

- جایگاه در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها لازمه ورود در عرصه بین‌المللی
- تبیین دقیق موقعیت کنونی، تحلیل نقاط ضعف و قوت دانشگاه در مقایسه با دانشگاه‌های برتر دنیا
- برنامه‌ریزی برای دانشگاه‌هایی در طراز بین‌الملل
- جذب دانشجویان خارجی
- جذب همکاری‌های پژوهشی و آموزشی بین‌المللی
- افزایش ضریب نفوذ کشور در دیپلماسی علمی
- ورود اطلاعات

ضرورت ورود به سیستم‌های رتبه‌بندی داخلی:

- طیف وسیع مؤسسات آموزش عالی با دانش‌آموختگان و تولیدات علمی
- تعیین موقعیت نسبی این دانشگاه‌ها و ایجاد فضای رقابت
- تلاش دانشگاه‌ها برای ارتقاء رتبه دانشگاه به ارتقاء شاخص‌ها و در نهایت ارتقاء کیفی دانشگاه‌ها منجر می‌گردد
- ارتقاء کیفی مجموعه آموزش عالی و اقتدار علمی کشور
- شناساندن رسمی جایگاه علمی دانشگاه‌ها و اطلاع‌رسانی به جامعه
- اثر رتبه دانشگاه بر انتخاب عالمانه‌تر ورودی‌های در زمینه‌های مختلف
- آمادگی عمومی دانشگاه‌ها برای حضور در عرصه‌های ملی و بین‌المللی بر اساس ارزیابی درست توانمندی‌ها (خاکی صدیقی، ۱۳۹۵).

رتبه‌بندی در صورتی که علمی انجام گردد می‌تواند منبع اطلاعاتی برای انجام ارزیابی و بررسی کارایی و اثربخشی درونی و بیرونی و اعتباربخشی مؤسسات آموزش عالی در مقیاسی گسترده‌تر فراهم سازد؛ اما هیچ سیستم رتبه‌بندی خاصی را نمی‌توان به‌طور کامل بی‌عیب دانست؛ بنابراین دستیابی به نظامی که جامع و کامل باشد و بتوان برای رتبه‌بندی همه‌ی مؤسسات و مراکز از آن استفاده کرد کار بسیار دشواری است. به همین دلیل همواره این نظام‌ها با چالش‌هایی مواجه هستند لذا اولین سؤالی که اهمیت دارد آن است که نظام‌های رتبه‌بندی جهانی با چه چالش‌های اساسی مواجه هستند؟

امروزه مشخص شده رتبه‌بندی‌ها با ایجاد محیط‌های جذاب آموزشی و ایجاد علاقه در میان دانشگاه‌ها برای حرکت به سمت همکاری‌های بین‌المللی، ابزار سودمندی به شمار می‌روند. اعتباربخشی و نظام رتبه‌بندی، فرایند خودارزیابی و ارزیابی توسط دیگران است که در سازمان‌ها، جهت ارزیابی سطح عملکرد آن‌ها در رابطه با استانداردهای معین جهت بهبود مستمر اقدامات و فرایندها صورت می‌گیرد. نظام اعتباربخشی و رتبه‌بندی، چارچوبی است که در آن سازمان‌ها با بهبود دائمی کیفیت و پاسخگویی مناسب به سمت تعالی و شکوفایی گام برمی‌دارند. رتبه‌بندی و سطح‌بندی دانشگاه‌ها همواره از موضوعات مورد توجه کشورها بوده است. رتبه‌بندی در صورتی که علمی انجام گردد می‌تواند منبع اطلاعاتی برای انجام ارزیابی و بررسی کارایی و اثربخشی درونی و بیرونی و اعتباربخشی مؤسسات آموزش عالی در مقیاسی گسترده‌تر فراهم سازد. رتبه‌بندی دانشگاه‌ها می‌تواند کارکردهای مثبت و یا منفی به دنبال داشته باشد. (مهرعلی‌زاده، ۱۳۹۵). رتبه‌بندی، همچنین می‌تواند برای دانشجویان و اعضای هیئت علمی در انتخاب محل تحصیل یا کار مناسب با علایق مفید باشد، محققان، روسای دانشگاه‌ها، فارغ‌التحصیلان، بخش تجارت، صنعت، حکومت و رهبران سیاسی، به مؤسسات خصوصی یا دولتی در انتخاب دانشگاه‌هایی که بهتر بتوانند با آن‌ها همکاری کنند و نیازهایشان را مرتفع کنند کمک کند و همچنین می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور در مورد برنامه‌ریزی در دانشگاه‌ها متناسب با نیازهای جامعه کمک‌کننده باشد.

رتبه‌بندی آکادمیک دانشگاه‌های جهان بر اساس شاخص‌ها و پارامترهای مختلفی انجام می‌گیرد. ازجمله‌ی این شاخص‌ها می‌توان به: سیستم پذیرش دانشجو، تعداد نشریات و مقالات، میزان استناد به مقالات ارائه‌شده، نسبت تعداد اعضای هیئت‌علمی به دانشجو، دریافت جایزه نوبل و سایر جوایز بین‌المللی توسط اعضای هیئت‌علمی و بسیاری از شاخص‌های دیگر که از سوی مؤسسات مختلف با دیدگاه‌های متفاوتی صورت می‌گیرد، اشاره کرد. رتبه‌بندی‌ها شامل فهرستی از موسسه‌های دانشگاهی و علمی هستند که جایگاه هر یک از آن‌ها را بر اساس ترکیبی از عوامل و معیارهای تعریف‌شده، تعیین می‌کند. این عوامل و معیارها که نشان‌دهنده‌ی کیفیت موسسه‌ها و نهادها هستند بر اساس ترکیب برخی از داده‌های تجربی و نتایج حاصل از نظرسنجی‌های مختلف از نهادها، محققان، دانشگاهیان، فارغ‌التحصیلان، دانشجویان، کارفرمایان و همچنین بررسی انتشارات پژوهشی و استنادات علمی به‌دست‌آمده است (جرمیک، بولاجیک، مارتیک و رادوچیک^۷، ۲۰۱۱).

هدف‌های متفاوت و متنوعی را می‌توان برای رتبه‌بندی متصور شد:

- شناخت وضعیت موجود دانشگاه‌ها (نقاط قوت و ضعف آن‌ها) در راستای برنامه‌ریزی راهبردی و ارتقای کیفیت آن‌ها
 - فراهم آوردن پایگاه اطلاعاتی انعطاف‌پذیر و قابل‌اعتماد در خصوص مؤلفه‌های کمی- کیفی برای ذینفعان (مسئولان دانشگاه‌ها، داوطلبان داخلی و خارجی ورود به دانشگاه‌ها و صاحبان صنایع، افراد علاقه‌مند و سایر مردم.
 - ایجاد یک فضای رقابتی سالم و ایجاد انگیزه‌ی پیشرفت
 - تعیین ایده‌آل‌های آموزش عالی و معرفی ایده‌آل‌ها به‌عنوان وضعیت مطلوب
 - شناسایی و معرفی شاخص‌های کیفیت آموزشی، پژوهشی و عرضه‌ی خدمات تخصصی در بخش‌های درونداد، فرایند و بروندادهای نظام آموزش عالی به‌عنوان راهنماهای توسعه دانشگاه‌ها
 - مقایسه‌ی دانشگاه‌ها
 - شناسایی مراکز دانشگاهی ضعیف در راستای رفع نقاط ضعف
 - فراهم نمودن بستر مناسب برای تغییرات لازم و ضروری و نوآوری در نظام آموزش عالی و در وضعیت‌های درونداد، فرایند و بروندادهای این نظام
 - معرفی و تشویق دانشگاه‌های برتر
 - نزدیک شدن به استانداردهای جهانی از طریق تعریف شاخص‌های موردنظر در رتبه‌بندی
 - ایجاد یک سیستم یکپارچه جهت بررسی وضعیت نظام دانشگاهی کشور (نیازی و ابونوری، ۱۳۸۹).
- از فعالیت‌هایشان به این امر مشغول هستند.

توصیف نظام‌های بین‌المللی رتبه‌بندی دانشگاه‌ها (علیمحمدی، ۱۳۹۱).

شماره	رتبه‌بندی نظام	سال تأسیس	شیوه گردآوری داده‌ها		بازه زمانی ارائه نتایج	نوع دانشگاه‌های تحت ارزیابی	تعداد دانشگاه‌های تحت ارزیابی	تعداد شاخص‌های ارزیابی	تعداد مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده شاخص‌های ارزیابی
			خود	منابع مرجع و پایگاه‌های استنادی					
۱	دانشگاه‌های شانگهای جیاتانگ چین	۲۰۰۳			سالانه	دانشگاه‌های پژوهشی برتر دنیا	۱۰۰۰+	۶	۳
۲	نشریه آموزش عالی تایمز	۲۰۰۴			سالانه	دانشگاه‌های جامعی که مجری تمام مقاطع تحصیلی باشند و سالانه دست‌کم ۲۰۰ مقاله نمایه شده در پایگاه‌های استنادی موسسه تامسون رویترز داشته باشند.	۴۰۰+	۱۳	۵

۴	۵	۲۰۰۰ ⁺	دانشگاه‌هایی که دامنه اینترنتی مستقل داشته باشند.	س الی دو بار			۲۰ ۰۴	وبسنگ ی	۳
۶	۶	+۷۰۰	تمام دانشگاه‌های جهان	سالا نه			۲۰ ۰۴	کیو. اس	۴
۳	۸	+۴۰۰	دانشگاه‌های ارزیابی شده توسط نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه شانگهای جیاتانگ چین و نشریه آموزش عالی تایمز	سالا نه			۲۰ ۰۶	نشریه نیوزویک	۵
۳	۶	۵۰۰	دانشگاه‌های نمایه شده در پایگاه Essentia Science Indicators	سالا نه			۲۰ ۰۷	عملکرد مقالات علمی دانشگاه‌های جهان	۶
۵	۱۹	+۲۰۰	دانشگاه‌های کشورهای اسلامی	سالا نه			۲۰ ۰۷	دانشگاه ای جهان اسلام	۷
۲	۷	۵۰۰	دانشگاه‌هایی که دست کم ۵۰۰ مقاله نمایه شده در پایگاه‌های استنادی موسسه تامسون رویتز داشته باشند.	سالا نه			۲۰ ۰۸	لیدن	۸
۶	۶	۲۰۰۰	تمام دانشگاه‌های جهان	سالا نه			۲۰ ۰۹	رتبه‌بند ی دانشگاه‌ها بر اساس عملکرد علمی	۹
۴	۴	۳۲۹۰	دانشگاه‌هایی که دست کم ۱۰۰ مقاله نمایه شده در پایگاه استنادی اسکوپوس داشته باشند.	سالا نه			۲۰ ۰۹	سایمگو	۱۰
۱	۱	۳۰۰	دانشگاه‌هایی که دامنه اینترنتی مستقل داشته باشند.	سالا نه			-	فاکتور جی	۱۱

نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در کل جهان علی‌رغم طرفداران زیادی که دارد همواره دارای مخالفانی نیز هست که به این نظام‌ها انتقاداتی وارد کردند که از این انتقادات می‌توان به عنوان چالش‌های نظام‌های رتبه‌بندی یاد کرد. از جمله چالش‌ها و انتقادات وارد بر این نظام‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها هر کدام باهدف خاص خودش طراحی شده است، درواقع هر کدام از این نظام‌ها اهداف آشکار و پنهانی دارند که علت تشکیل آن می‌باشد. اعم از اهداف سیاسی، مالی و ... بعضی از نظام‌های رتبه‌بندی، با اهداف سیاسی این رده‌بندی‌ها را انجام می‌دهند و چه بسا دست‌کاری‌هایی در نتایج آن اعمال می‌کنند و یا اینکه جهت فروش مجلات و کسب سود وارد این حوزه شده‌اند و این همسویی با یافته‌های بونلا، گوتیرز، برمیدز و وادیلو^۸ (۲۰۰۷)، آراسته و فاضلی (۱۳۹۰) را نشان می‌دهد که در زیر به آن‌ها اشاره‌ی مختصری شده است. بونلا و همکارانش (۲۰۰۷)، طی مطالعه‌ای مقایسه‌ای که از رتبه‌بندی علمی بین‌المللی دانشگاه‌ها انجام دادند چهار نظام رتبه‌بندی بین‌المللی را با تعریف ۲۸ شاخص متفاوت در ۷ گروه، باهم مقایسه کردند. نتایج بررسی این مطالعه نشان

^۸ .Buela, Gutierrez, Bermudez & Vadillo

داد بعضی شاخص‌ها تفاوت قابل توجهی باهم دارند و برخی در نظام‌های رتبه‌بندی منحصربه‌فردند. در سال ۱۳۹۰، آراسته و فاضلی در پژوهشی با عنوان رتبه‌بندی‌ها و ویژگی‌های دانشگاه‌های برتر جهانی، دانشگاه برتر جهانی را تعریف و به معرفی ویژگی‌های آن‌ها پرداخته و بیان کردند که این دانشگاه‌ها می‌تواند مدلی مناسب برای دیگر دانشگاه‌ها برای دستیابی به جایگاه بالاتر باشد. آن‌ها متذکر شده‌اند که همواره ابهام در روش‌شناسی و ساده‌سازی فعالیت‌های جامع دانشگاهی از جمله نقاط ضعف آن‌هاست. همچنین باید در نظر داشت که هدف اصلی رتبه‌بندی‌هایی که مجلات انجام می‌دهند، فروش بیشتر و سودآوری است. با توجه به اینکه فعالیت‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی صرفاً کمی نیستند و نمی‌توان تنها با تعدادی اعداد و ارقام این فعالیت‌ها را اندازه‌گیری کرد و به شاخص‌های کیفی موجود در این نظام‌های رتبه‌بندی پاسخ گفت؛ همچنان یکی از مشکلات و چالش‌های اساسی نظام‌های موجود رتبه‌بندی این است که به دلیل نامشهود بودن داده‌های کیفی نمی‌توان کیفیت یک موسسه آموزشی را تنها از طریق شاخص‌های کمی سنجید. محمد اسماعیل^۹ (۲۰۱۱) در مطالعه خود جایگاه ۲۰ دانشگاه برتر در چهار نظام رتبه‌بندی شانگهای، کیو اس، هیکت^{۱۰} و وبومتریکس را مقایسه کرد. وی بیان کرد که هر یک از این نظام‌ها با اهداف خاصی طراحی شده‌اند همچنین کیفیت یک مؤسسه آموزشی را تنها از طریق شاخص‌های کمی نمی‌توان سنجید. همچنین در مطالعه دیگری در سال ۱۳۹۴، زارع بناد کوکی و همکاران، نیز با بررسی نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها، ابتدا نحوه‌ی شکل‌گیری و ویژگی‌های نظام‌های معتبر رتبه‌بندی را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند و در ادامه، با توجه به مزایای رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، با رویکردی انتقادی به بررسی چالش‌های اساسی پیش رو در نظام‌های رتبه‌بندی، شاخص‌ها و روش‌های اندازه‌گیری داده‌ها پرداخته‌اند. در نهایت، با توجه به اینکه هرساله دانشگاه‌های ایران توسط پایگاه استنادی علوم جهان اسلام رتبه‌بندی می‌شود، معیارهای این نظام نیز مورد مطالعه قرار گرفت و پیشنهادهایی برای رفع کاستی‌ها ارائه دادند. نتایج بررسی نشان داد که نظام‌های رتبه‌بندی جامع نبوده و عمدتاً با مشکلاتی در زمینه‌های سنجش کیفیت، نمایش رشد یا افول، وزن دهی معیارها، اثر متتو، اعتبارسنجی، جامعیت، وضوح، تحرک و بالندگی، تعمیم‌پذیری و محدودیت زبان مواجه هستند.

چالش دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد و با نتایج زارع بناد کوکی و همکاران (۱۳۹۴) نیز همسو است، این است که در اکثر نظام‌های رتبه‌بندی جهان تمرکز بر انتشارات انگلیسی‌زبان است و در واقع نوعی محدودیت زبانی وجود دارد که باعث می‌شود لیست نهایی رده‌بندی دانشگاه‌ها به‌عنوان خروجی این نظام‌ها قابل اعتنا نباشد. در سراسر جهان نظام‌هایی که دانشگاه‌ها را بر اساس شاخص‌ها و معیارهای به‌ظاهر متفاوتی رتبه‌بندی می‌کنند زیاد است، اما طبق نتایج این نظام‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که فعالیت‌های این نظام‌ها نوعی موازی کاری محسوب می‌شود همچنین خسرو جردی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود نیز به تشریح مساله‌ی رتبه‌بندی پرداخته‌اند. در پژوهشی نتایج هفت نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان را بررسی کردند. آن‌ها در پژوهش خود داده‌ای جمع‌آوری شده از نتایج هفت نظام رتبه‌بندی شانگهای، کیو اس، فراینتر نشنال، وبومتریکس، هیکت، ذ و لیدن را بیان کردند که نشان می‌داد همبستگی قابل توجهی میان ۵۰ دانشگاه برتر در نتایج این هفت نظام وجود دارد. یکی از نتایج مهم این پژوهش این بود که بین نظام‌های رتبه‌بندی نوعی موازی کاری وجود دارد که با قطعیت نمی‌توان به بروندهای این نظام‌ها اعتنا کرد.

-آیا خروجی و برونداد نظام‌های رتبه‌بندی جهانی جامعیت و اعتبار لازم را دارند؟

نظام‌های رتبه‌بندی می‌کوشند، فعالیت‌های گوناگون دانشگاهی را رصد کنند. نظام‌های رتبه‌بندی بین‌المللی درحالی که معیارها و شاخص‌های خود را پیوسته ارتقاء می‌دهند، نظام‌های رتبه‌بندی جدیدی نیز پا به عرصه حیات علمی می‌گذارند. افزون بر آن رتبه‌بندی‌های دیگری نیز مانند رتبه‌بندی دانشگاه‌های آسیا، آمریکای لاتین و دانشگاه‌های جهان وجود دارند که اطلاعات خود را از نظام‌های موجود دریافت می‌کنند. بسیاری از کشورها نظام‌های رتبه‌بندی خاص خود را دارند و بعضی مانند آمریکا با نظام‌های رتبه‌بندی مختلف با شاخص‌هایی از پژوهش گرفته تا شاخص‌های هزینه، کالج‌ها و مؤسسات آموزش عالی خود را رتبه‌بندی می‌کنند. بعضی از کشورها مانند انگلستان و آفریقای جنوبی تنها ارزیابی‌های پژوهشی انجام می‌دهند و کشورهای دیگر نیز مانند کنیا و ایران درصد تولید نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاهی‌اند (مهرداد، ۱۳۹۵).

تفاوت‌ها و شباهت‌های نظام‌های رتبه‌بندی مختلف و نتایج آن‌ها می‌تواند به مراکز و نهادهای درگیر در سیاست‌گذاری آموزش عالی کمک کند که به چه معیارهایی توجه بیشتری کنند تا بتوانند ضمن ارتقاء وضعیت آموزشی و پژوهشی دانشگاه و مراکز آموزش عالی، جایگاه مناسبی را نیز در نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها داشته باشند (منتظر و خانی زاد، ۱۳۹۵). در مورد نحوه‌ی رتبه‌بندی دانشگاه‌ها توافق نظر چندانی وجود ندارد. رتبه‌بندی دانشگاه‌ها می‌تواند کارکردهای مثبت و یا منفی به دنبال داشته باشد. هیچ سیستم رتبه‌بندی خاصی را نمی‌توان به‌طور کامل بی‌عیب دانست. بسیاری معتقدند رتبه‌بندی باعث رقابت ناسالم بین دانشگاه‌ها شده و دانشگاه‌ها تلاش می‌کنند فعالیت خود را بر اساس معیارهای رتبه‌بندی تنظیم کنند تا از این طریق بتوانند رتبه خود را بالا نگه‌دارند. در مقابل، بعضی از صاحب‌نظران اظهار می‌دارند که رتبه‌بندی باعث بهبود کیفیت مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها خواهد شد (نیازی و ابو نوری، ۱۳۸۹). بعضی معتقدند رتبه‌بندی عامل شتاب و حرکت دانشگاه‌ها به سمت یک بافت رقابتی و در نهایت افزایش کارایی آن‌هاست، زیرا با مقایسه دانشگاه‌ها، نحوه‌ی عملکرد آن‌ها بازبینی می‌شود و این خود عامل مهمی در جهت تغییر و گرایش به سمت بهبود و ارتقای کیفیت فعالیت‌های آن‌هاست. (همان منبع)

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا نتایج و برونداد نظام‌های رتبه‌بندی اعتبار و جامعیت لازم و کافی را دارند؟ در اینجا باید یادآوری شود که آموزش عالی پدیده‌ای بسیار پیچیده است و ترجیحات شخصی بسیار متنوعی در آن دخیل هستند لذا به‌راحتی نمی‌توان عملکرد همه‌ی مؤسسات را بر اساس تنها یک مقیاس و شاخص‌های مشخص رتبه‌بندی به‌طور منصفانه قضاوت کرد و آن را ملاکی جامع برای همه‌ی دانشگاه‌ها دانست؛ و همچنین اینکه هر سیستم رتبه‌بندی بر اساس مسائل شخصی و خصوصی مربوط به خود تعیین می‌کند که چه معیاری در آموزش عالی برابر است با سنجیدن کیفیت که اعتبار رده‌بندی را زیر سؤال می‌برد. در اکثر نظام‌های رتبه‌بندی شاخص‌های بیان شده همه‌ی ابعاد فعالیت دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی را ارزیابی نمی‌کنند و کلیه

^۹ . Muhammad,I

^{۱۰} . Heeact

سطوح، وجوه و ابعاد آموزش عالی را مدنظر قرار نمی‌دهند و جامعیت لازم و کافی را ندارند که با یافته‌های راکي^{۱۱} (۲۰۰۵)، پاسر و مارجینسون^{۱۲} (۲۰۱۳)، فراستخواه (۱۳۸۷) و زارع بنادکوکي و همکاران (۱۳۹۴) در این راستا همخوانی دارد؛ که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود. راکي (۲۰۰۵) در پژوهش خود بیان می‌دارد که روش‌های مورد استفاده در رتبه‌بندی‌ها فقط برخی از معیارهای اندازه‌گیری را مدنظر دارند. روش‌های کنونی که بر وزن دهی به برخی شاخص‌ها و ابزارهای گوناگون دسته‌بندی استوارند، همگی نشانگر این واقعیت هستند که یک نظام رده‌بندی واقعی و عینی وجود ندارد که مناسب همه‌ی سازمان‌ها و مراکز آموزش عالی باشد. در سال ۲۰۱۳، پاسر و مارجینسون سیستم‌های رتبه‌بندی دانشگاه را از منظر انتقادی مطالعه کردند؛ آن‌ها در پژوهش خود با طرح برخی چالش‌ها در آموزش عالی بیان کردند که علی‌رغم اینکه این سیستم‌ها قدرت دانشگاه‌ها را ارزیابی نمی‌کنند، وسیله‌ای برای نمایش اقتدار و قدرت دانشگاه‌ها شده است. فراستخواه (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان "بررسی وضع موجود و مطلوب ارزیابی نظام علمی در ایران با تأکید بر بخش آموزش عالی" ایراداتی همچون نوع معیارهای انتخاب‌شده، اهمیت و وزن ملاک‌ها، اجرا نشدن آزمایش مقدماتی، تردید در اعتبار و پایایی کار، تفاوت در اصل فعالیت رتبه‌بندی، شرایط نظام علمی کشور، عدم اعتماد و مشارکت جدی دانشگاهیان، یکسان نگری مؤسسات و برنامه‌های موجود در کشور، مقایسه پذیر نبودن، ابهام در اعتبار نتایج بر اساس شواهد موجود و عدم همبستگی معنادار کیفیت دانشگاه و نتایج رتبه‌بندی را در نظام‌های رتبه‌بندی مطرح می‌کند.

با توجه به اینکه هر نظام با توجه به موقعیت مکانی و زمانی مخصوص به خود، اندازه و محیط دانشگاه شاخص‌هایی را مناسب سنجیدن می‌داند که با توجه به آن‌ها امر رتبه‌بندی را انجام می‌دهد در نتیجه قابل تعمیم به سایر کشورها نیست و نتایج صحیحی نخواهد داشت؛

دیکسن و هود^{۱۳} در سال ۲۰۱۶، در پژوهشی تحت عنوان رتبه‌بندی عملکرد تحقیقات آکادمیک: یک دستورالعمل برای موفقیت به بررسی سه شرط اصلی و مورد نیاز برای رتبه‌بندی کردن مؤثر و کارآمد به عنوان مبنای اصلی به منظور بهبود واقعی عملکرد در طی زمان پرداختند. اول، شاخص‌های زیرساخت باید قادر به تشخیص معنی‌دار عملکرد آموزشگاه‌ها و مؤسساتی که در رتبه‌بندی قرار می‌گیرند باشند. دوم، پایه‌ی اندازه‌گیری باید برای شناسایی تغییر عملکرد در زمان به اندازه‌ی کافی ثابت و استوار باشند. سوم، سیستم رتبه‌بندی باید از عواقب در خطا و منحرف برخاسته از پاسخ‌های راهبردی از طرف مؤسسات شرکت داده‌شده در رتبه‌بندی به دور باشد. در این پژوهش به مشکلات برآوردن این سه شرط به‌طور هم‌زمان و همچنین مسئله دشوار رویارویی اعتبار و روایی که فرد اندازه‌گیر با آن روبه‌رو می‌شود پرداخته شد. همچنین، در سال ۱۳۹۱، پاکزاد و همکاران، با بررسی تطبیقی نظام‌های بین‌المللی رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دریافتند که نظام‌های بین‌المللی رتبه‌بندی دانشگاه‌ها از لحاظ تمرکز، شیوه جمع‌آوری داده‌ها، قلمرو زمانی و نحوه ارائه نتایج با همدیگر متفاوت هستند. از جمله چالش دیگری که مطرح است این است که روش‌شناسی و وزن دهی معیارهای رتبه‌بندی دارای ابهامات زیادی است که متأسفانه هیچ توضیحی توسط نظام‌های رتبه‌بندی در این رابطه داده نشده و درواقع مبانی علمی و نظری که بتوان در رابطه با روش‌شناسی و وزن دهی به آن استناد کرد در دسترس نیست؛ که خود صحت نتایج این رتبه‌بندی را مورد شک و تردید قرار می‌دهد. در سال ۱۳۹۲، نور محمدی و صفری، در مطالعه خود شاخص‌های ۹ نظام رتبه‌بندی بین‌المللی دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزش عالی را مقایسه و تجزیه و تحلیل کردند. آن‌ها نظام‌های رتبه‌بندی شانگهای، کیواس، ذ، هیکت، سایمگو، وبومتریکس، نیوزیک، لیدن و رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان اسلام را بررسی کردند؛ و ضمن پذیرفتن انتقادهای روش‌شناسی وارده بر نظام‌های رتبه‌بندی، لازم می‌دانند برای ارزیابی دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزش عالی در سطح ملی با توجه به سیستم‌های رتبه‌بندی جهانی در بستر رقابت سیاسی، اقتصادی و علمی در قالب استانداردهای بین‌المللی اقدام‌های مؤثری صورت گیرد.

نقد و چالشی که می‌تواند به تمام رتبه‌بندی‌های کنونی و قبلی وارد کرد این است که تغییر در روش سیستم رتبه‌بندی می‌تواند باعث تغییر در رتبه‌ی یک موسسه شود بدون آنکه در کیفیت آن موسسه تأثیری داشته باشد؛ و همین‌طور این مسئله که نظام‌های بین‌المللی رتبه‌بندی دانشگاه‌ها از لحاظ تمرکز، شیوه جمع‌آوری داده‌ها، قلمرو زمانی و نحوه ارائه نتایج نیز با همدیگر متفاوت هستند که اعتبار و جامعیت آن‌ها را زیر سؤال می‌برد.

از آنجایی که رتبه‌بندی اجتناب‌ناپذیر شده است و بخش اصلی زندگی آکادمیک می‌باشد و دانشجویان و ذینفعان دانشگاه‌ها همواره در جست‌وجوی دانشگاهی با رتبه و جایگاه بالاتر در این نظام‌ها هستند و شاخص یکسانی نیز برای این امر وجود ندارد دانشگاه‌ها می‌توانند این شاخص‌ها را جهت ارتقاء رتبه خود دست‌کاری کنند و اعتبار این نتایج را کاهش دهند. در این راستا در سال ۲۰۱۶، الکی و بولو^{۱۴} در پژوهشی به بررسی رتبه‌بندی‌های کنونی جهانی دانشگاه باهدف تعیین کردن شباهت‌ها و تفاوت‌هایی از دیدگاه معیارهای رتبه‌بندی، شاخص‌های مهم، انتخاب الگوبرداری و تأثیر این عوامل بر رتبه‌بندی می‌پردازند. طراحی رتبه‌بندی جهانی آموزش عالی تایمز به‌عنوان یک رتبه‌بندی پایه به مقایسه‌ی جامعی از مواضع و موقعیت دانشگاه‌های برتر شاخص پایه و دانشگاه‌هایی مشابه از نظر موقعیت تحت دیگر شاخص‌های پیشرو از جمله URAP، ARWU، QS و لیدن می‌پردازد. نتایج این مقایسه‌ها حاکی از تفاوت‌های چشمگیری میان برخی از شاخص‌ها حتی در اندازه‌گیری یک شاخص مشابه مانند آموزش و پژوهش هست.

چالش‌های نظام موجود رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در کشور ایران کدامند؟

در سال‌های اخیر بحث رتبه‌بندی نیز در نظام آموزش عالی ایران مورد توجه قرار گرفته است که بی‌شک این امر نیازمند به‌کارگیری روش مناسب ارزیابی در سطح نظام دانشگاهی، بر اساس مؤلفه‌های برخاسته از مأموریت‌ها، وظایف و کارکردهای آن‌ها است. همان‌گونه که عنوان شد باوجود دانش و تجربه قابل قبول در حوزه ارزیابی کیفیت در سطح گروه‌های آموزشی، تاکنون در سطح دانشگاه یا موسسه، دانش و تجربه قابل قبولی ارائه نشده است و از سویی دیگر در این آشفته‌بازار شاهد ارائه پیشنهادها و چارچوب‌هایی برای ارزیابی و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بدون توجه به ماهیت و ویژگی‌های نظام دانشگاهی هستیم. رتبه‌بندی دانشگاه‌ها چند سالی است که در کشورمان مورد توجه قرار گرفته است که این رتبه‌بندی در ایران نیز علاوه بر چالش‌های ذکر شده در دو سؤال بالا، با توجه به تحقیقات پیشین و تجربه محقق در خصوص کار با این شاخص‌ها و معیارها دارای چالش‌های دیگری هست که به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

11. Rocki

12. Pusser, Marginson

13. Dixon, HoodRuth

14. Olcay, Bulu

وزن برخی معیارها در دانشگاه‌های کشور خیلی کم و یا بدون مقدار است مانند اعضای هیئت علمی دارای جایزه، دانش‌آموختگان دارای جایزه و دانش‌آموختگان پر استناد.

اگر بخواهیم دانشگاه‌های کشور را رتبه‌بندی کنیم با یک محدودیت مواجه می‌شویم و آن هم محدودیت زبان می‌باشد که در این سیستم به آن اشاره‌ای نشده است و وزن و معیاری برای مقالات فارسی در نظر گرفته نشده است و با یافته‌های زارع بنادکوک و همکاران (۱۳۹۴) همسو می‌باشد. چالش دیگری که می‌توان آن را ذکر کرد این است که در برخی دانشگاه‌ها نیروی متخصص علم‌سنجی وجود ندارد بنابراین استخراج داده‌ها و اطلاعات لازم ممکن است اعتبار و صحت کافی را نداشته باشند.

در سال ۱۳۹۵، روضه، طاهره؛ مرتضی کرمی و بهروز مهران در پژوهشی تحت عنوان "ارزیابان شایسته؛ ضرورتی انکارناپذیر در ارتقاء کیفیت ارزشیابی از نظام‌های آموزش عالی" به این مسئله پی بردند زمانی که ارزشیابی توسط یک ارزیاب شایسته انجام شود نتایج ارزشیابی از قابلیت اعتماد بالاتری برخوردار خواهد بود.

عدم اعتماد و مشارکت جدی دانشگاهیان نیز چالش مهم دیگری است که باید به آن توجه کافی مبذول شود؛ چراکه یک رتبه‌بندی صحیح نیازمند اطلاعات می‌باشد که با اعتماد و همکاری دانشگاه‌ها امکان‌پذیر است. هرچند که بعضی از دانشگاه‌ها اطلاعات ناقصی در رابطه با فعالیت‌های دانشگاه خود در سال‌های اخیر دارند. همچنین در سال ۱۳۹۰، فیض پور، محمدعلی؛ رسول خانعلی زاده و بابک ده موبد، با مطالعه تطبیقی شاخص‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در سطح جهان و ایران، نقاط قوت و ضعف سیستم رتبه‌بندی آموزش عالی ایران در تطبیق با سیستم رتبه‌بندی جهان اسلام مهم‌ترین سیستم‌های رتبه‌بندی موجود جهان مورد تحلیل قرار دادند. طبق این پژوهش از مشکل‌ترین معیارهای مورد بررسی بازدهی دانشگاه می‌باشد که با توجه به نبود زیرساخت اطلاعاتی گسترده توجه و تأکید چندانی در سیستم‌های ارزیابی جهان به آن نشده است.

رتبه‌بندی دانشگاه‌ها به صورت کلی و بی‌توجه به زمینه‌های قوی در یک دانشگاه انجام می‌شود.

حوزه‌های پزشکی، مهندسی و علوم پایه در مقایسه با حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی در شاخص‌های کنونی رتبه‌بندی دارای رتبه بهتر و بالاتری هستند و به نظر می‌رسد که مقایسه کردن آن‌ها باهم کار اشتباهی باشد.

مطالعه رضایی، مینا و عبدالرضا نوروزی چاکلی (۱۳۹۳) نشان می‌دهند که برای پژوهشگران حوزه‌ی علوم انسانی شاخص‌های مربوط به کتاب اهمیت زیادی دارد، در حالی که برای پژوهشگران علوم پایه و علوم پزشکی، شاخص‌های مربوط به مقاله‌های بین‌المللی دارای اهمیت بیشتری است و از نظر پژوهشگران فنی-مهندسی شاخص‌های مربوط به اختراعات و طرح‌های تحقیقاتی نسبت به سایر شاخص‌ها از اعتبار بیشتری در ارزیابی بهره‌وری پژوهشی پژوهشگران برخوردار است.

طرح‌های تحقیقاتی اعضای هیئت علمی و مشاوره‌های دانشگاه به جامعه جایی در این معیارها ندارند.

بهتر است حوزه‌ها و رشته‌های یکسان باهم مقایسه و رتبه‌بندی شوند تا یک رقابت سالم ایجاد شود و منجر به توسعه، تحول و کیفیت‌بخشی به دانشگاه‌ها شود.

بحث و نتیجه‌گیری

رتبه‌بندی‌ها برای ایجاد بحث بر روی این موضوع که کیفیت در آموزش عالی چیست به کار گرفته می‌شوند و روی عملکرد دانشگاه‌ها تأثیر گزارند. رتبه‌بندی کار مرور و ارزیابی کیفیت را کامل می‌کند؛ اگرچه ممکن است رتبه‌بندی موردپذیرش عام نباشد، اما این که ابزار مهمی برای دانش‌آموزان، والدین، دانشگاهیان و به‌طور کلی عموم مردم است، به‌طور گسترده در حال پذیرش است. (بنیتو و رومرا، ۲۰۱۱). با توجه به اهمیت قابل توجه رتبه‌بندی دانشگاه‌ها هدف مطالعه حاضر بررسی چالش‌های پیش روی نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بود که در نگاهی کلی به نظام‌های رتبه‌بندی، انتقادات به‌صورت چالش‌های نظام‌های رتبه‌بندی بیان و تشریح شد، نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که:

هرکدام از نظام‌های رتبه‌بندی با اهدافی خاص تشکیل‌شده که باعث می‌شود بر خروجی آن‌ها تأثیر بگذارد.

سنجش میزان کیفیت یک موسسه آموزشی تنها با تعدادی شاخص کمی کاری بسیار دشوار است.

با توجه به محدودیت زبانی که وجود دارد و اینکه درواقع نظام‌های رتبه‌بندی جهان بر انتشارات انگلیسی‌زبان تمرکز و تأکید دارند رده‌بندی مؤسسات را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در سراسر جهان نظام‌های زیادی وجود دارند که کار رتبه‌بندی مؤسسات و دانشگاه‌ها را انجام می‌دهند و هرکدام نیز از شاخص‌ها و معیارهایی به‌ظاهر متفاوت استفاده می‌کنند اما طبق خروجی این نظام‌ها می‌توان به این نکته پی برد که بین نظام‌های رتبه‌بندی نوعی موازی کاری وجود دارد.

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد نظام‌های متعددی در سطح جهان وجود دارند که کار رتبه‌بندی را انجام می‌دهند و روزبه‌روز نیز بر تعداد این نظام‌های رتبه‌بندی افزوده می‌شود. این نظام‌ها همچنان معیارها و شاخص‌های خود را تغییر و ارتقاء می‌دهند. با این حال به‌راحتی نمی‌توان عملکرد همه‌ی مؤسسات و را تنها بر اساس این مقیاس‌ها و شاخص‌ها به‌طور منصفانه سنجید و قضاوت کرد چراکه این شاخص‌ها همه‌ی ابعاد فعالیت دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی را ارزیابی نمی‌کنند، به‌بیان دیگر هنوز به آن مرحله از جامعیت لازم و کافی نرسیده است لذا برون‌دادی که از این نظام‌ها مشاهده می‌کنیم جامعیت و اعتبار کافی را ندارند.

در کشور ایران نیز با توجه به اینکه اکثر مقالات به زبان فارسی نوشته می‌شوند اما متأسفانه در سیستم رتبه‌بندی دانشگاه‌های کشور به این مهم توجه نشده و وزن و معیاری برای مقالات فارسی در نظر گرفته نشده است.

مورد دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که وزن دهی به معیارها و شاخص‌ها به‌درستی صورت نگرفته است و دلیل و منطقی قابل قبول برای این وزن دهی وجود ندارد.

وجود یک ارزیاب شایسته و متخصص علم‌سنجی لازمی اعتبار و صحت کافی اطلاعات برای نظام‌های رتبه‌بندی می‌باشد که باید به این موضوع توجه ویژه‌ای بشود.

ازجمله چالش‌های مهم دیگر جلب اعتماد و مشارکت دانشگاه‌ها می‌باشد زیرا یک رتبه‌بندی قابل اعتماد نیازمند اطلاعات صحیح می‌باشد که با مشارکت دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد.

علم حوزه‌های مختلفی دارد که هرکدام از این حوزه‌ها نیز اهداف، مأموریت و شرایط مخصوص به خود را دارند لذا مقایسه کردن آن‌ها باهم کار اشتباهی است و به هدف مهم رتبه‌بندی که ایجاد یک رقابت سالم جهت توسعه و کیفیت‌بخشی به دانشگاه‌هاست منجر نمی‌شود بلکه از مسیر اصلی خود نیز منحرف خواهد شد.

بنابراین، مهم است که مجریان و مدیران نظام دانشگاهی، ماهیت و نقش سیستم‌های رتبه‌بندی را در کیفیت آموزش عالی و عملکرد دانشگاه‌ها درک کنند و برای بهبود و توسعه آن وارد عمل شوند. در همین راستا در زیر نکاتی جهت بهتر شدن روند رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در کشور و کمک به تحقق اهداف آن پیشنهاد می‌کنیم:

با توجه به اینکه اخیراً در ایران به نظام‌های رتبه‌بندی توجه ویژه‌ای مبذول شده لازم است که در شاخص‌ها و معیارهای رتبه‌بندی که توسط پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ارائه‌شده بازنگری انجام شود که علاوه بر بومی شدن آن (طراحی سیستم رتبه‌بندی ملی بر اساس نیازها و ویژگی‌های داخلی)، قادر باشد علاوه بر کمیت، کیفیت فعالیت دانشگاه‌ها را نیز به‌درستی بسنجد، جامعیت لازم را داشته باشد و علاوه بر مقالات چاپ‌شده در آی. اس. آی (با توجه به محدودیت زبان) مقالات فارسی، کتب و همچنین طرح‌های پژوهشی را در نظر بگیرد، ابهامات موجود در وزن دهی برطرف شود و اینکه همه‌ی دانشگاه‌ها با تنوع و اهداف و مأموریت متفاوت را به یک نوع و با یک وزن دهی یکسان رتبه‌بندی نکنند بلکه از شاخص‌ها و وزن‌های متناسب با هر دانشگاه استفاده شود تا نتایج به‌دست‌آمده از رتبه‌بندی صحیح باشند و بتوان مقایسه و رتبه‌بندی درست‌تری انجام داد.

همچنین باید در کنار رتبه‌بندی دانشگاه‌ها رتبه‌بندی رشته‌ها را نیز داشته باشیم و اینکه رتبه‌ها را به‌صورت کلی اعلام نکنیم؛ بایستی نتایج رتبه‌بندی را با توضیحات و شرح مختصری تهیه و برای هر دانشگاه ارسال گردد تا از نقاط قوت و ضعف خودآگاه شده و برای ارتقاء رتبه و کیفیت فعالیت‌های خود تلاش کند.

اقدام دیگری که باید انجام داد این است که برای آن که تحول و کیفیت‌بخشی اتفاق افتد نخستین کاری که در رتبه‌بندی باید انجام دهیم این است که باید هر دانشگاه را با همان دانشگاه مقایسه کنیم؛ به‌طور مثال دانشگاه اکنون چه وضعیتی دارد و سال آینده باید چه چشم‌اندازی داشته باشد، در این صورت از هر دانشگاه با توجه به امکاناتی که به آن داده‌شده است، مطالبه می‌شود و می‌تواند با آن شاخص یا سنجش برای ارزیابی کیفیت، خود را نشان دهد.

در مرحله بعد باید دانشگاه‌ها را با دانشگاه‌های هم‌تراز خود مقایسه کرد و دانشگاه‌هایی باید باهم مقایسه شوند که به لحاظ امکاناتی و توسعه‌ای ازجمله: اندازه، عمر، قدمت، تأثیر و اثربخشی اجتماعی و اقتصادی از وضعیت نسبتاً مشابهی برخوردار باشند.

در مرحله آخر باید دانشگاه‌های همگن را با یکدیگر مقایسه کرد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که در مرحله اول یک‌بار دانشگاه را با خودش، سپس با دانشگاه‌های هم‌تراز و در آخر نیز با دانشگاه‌های همگن مقایسه کرد. درواقع در رتبه‌بندی‌ها باید توان علمی و تحقیقاتی دانشگاه‌ها را مدنظر قرارداد و دانشگاه‌های

همسان و هم‌تراز با یکدیگر ارزیابی و رتبه‌بندی شوند. علاوه بر آن که دولت باید از دانشگاه‌ها حمایت لازم را داشته باشد، باید به دانشگاه‌ها در انجام امور خود استقلال بیشتری بدهد؛ و برای انجام دادن همه‌ی این فعالیت‌ها وجود یک واحد نظارت و ارزیابی قوی و با نیروهای توانمند لازم و ضروری است.

منابع

- آراسته، حمیدرضا؛ فاضلی ماسوله، سید طاهر (۱۳۹۰). رتبه‌بندی‌ها و ویژگی‌های دانشگاه‌های برتر جهانی. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، سال سیزدهم، شماره ۵۲، صص ۸۷-۱۰۱.
- بیرامی، محمد؛ رحیمی راد، حسین (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی کیفیت راهبردهای نظارت و ارزشیابی برنامه‌های درسی در آموزش عالی. پاکزاد، مهدی؛ قائم پناه، عباس؛ جهان، مجید (۱۳۹۱). بررسی جایگاه دانشگاه‌های مادر ایران در نظام‌های بین‌المللی رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی. رهیافت، شماره ۵۳، صص ۳۳-۴۵.
- تاجیک، ربابه (۱۳۸۷). بررسی روند ارزیابی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی جهان. <http://vista.ir/article/363646/>
- خاکی صدیق، علی (۱۳۹۵). ضرورت و آسیب‌شناسی رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در ایران. کنگره ملی آموزش عالی ایران، دانشگاه تربیت مدرس. خسروجردی، محمود؛ زراعت‌کار، ندا (۱۳۹۱). مروری بر نتایج هفت نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، دوره ۲۸، شماره ۱، صص ۷۱-۸۴.
- دهقانی، محمدجواد (۱۳۹۴). کدام نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها معتبرند؟ <http://www.magiran.com/ppdf/nppdf/2825/p0282561700171.pdf>
- رضایی، مینا؛ نوروزی چاکلی، عبدالرضا (۱۳۹۳). شناسایی و اعتبارسنجی شاخص‌های ارزیابی بهره‌وری پژوهشی پژوهشگران ایران. روضه، طاهره؛ کرمی، مرتضی؛ مهرام، بهروز (۱۳۹۵). ارزیابی شایسته؛ ضرورتی انکارناپذیر در ارتقاء کیفیت ارزشیابی از نظام‌های آموزش عالی. کنگره ملی آموزش عالی ایران.
- زارع بنادکوی، محمدرضا؛ وحدت زاد، محمدعلی؛ اولیاء، محمد صالح؛ لطفی، محمدمهدی (۱۳۹۴). بررسی نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها: یک رویکرد انتقادی. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، سال هفدهم، شماره ۶۵، بهار ۱۳۹۴، صص ۹۵-۱۳۱.
- علیمحمدی، داریوش (۱۳۹۱). مقایسه و ارزیابی نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها. <http://www.lisna.ir/Away/11257>
- فراسرخواه، مقصود (۱۳۸۷). بررسی وضع موجود و مطلوب ارزیابی نظام علمی در ایران با تأکید بر بخش آموزش عالی. فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال اول، شماره ۲، صص ۴۳-۵۸.
- فیض پور، محمدعلی؛ خاقلی زاده، رسول؛ ده موبد، بابک (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی شاخص‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در سطح جهان و ایران. اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴، تهران، پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت. http://www.civilica.com/Paper-INCE01-INCE01_254.html
- قورچیان، نادر و همکاران (۱۳۸۳). دائرةالمعارف آموزش عالی. ج ۱، تهران، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- منتظر، غلامعلی؛ خانی‌زاد، رحیم (۱۳۹۵). تأملی بر جایگاه علمی دانشگاه‌های برگزیده ایران در نظام‌های رتبه‌بندی جهان، کنگره ملی آموزش عالی ایران. مهراد، جعفر (۱۳۹۵). عوامل مهم در رتبه‌بندی‌های دانشگاهی/ دانشگاه‌های ایران در رتبه‌بندی شهرت و اعتبار قرار ندارند. <http://www.lisna.ir/Talk/24647>
- مهرعلی‌زاده، یدالله (۱۳۹۵). ابهامات رتبه‌بندی دانشگاه‌های ایران. نامه آموزش عالی، شماره ۲۲، تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- مهرعلی‌زاده، یدالله (۱۳۹۵). رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بی‌عدالتی تخصیص منابع را تشدید می‌کند. ایسنا؛ خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۵ خرداد ۱۳۹۵، <http://tnews.ir/news/b15c64090729.html>
- نورالنساء، رسول؛ سقایی، عباس؛ شادالویی، فائزه؛ صمیمی، یاسر (۱۳۸۷). اندازه‌گیری رضایت مشتری برای شناسایی فرصت‌های بهبود در خدمات پژوهشی آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۹، ص ۹۸.
- نورمحمدی، حمزه علی؛ صفری، فاطمه (۱۳۹۲). معرفی نظام‌های رتبه‌بندی جهانی دانشگاه‌ها و بررسی شاخص‌های این نظام‌ها. نامه سیاست علم و فناوری، سال دوم، شماره ۳، صص ۵-۲۵.
- نیازی، عیسی؛ ابونوری، اسماعیل (۱۳۸۹). رتبه‌بندی شاخص‌های مقیاس وبومتریک در دانشگاه‌های منتخب. فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، شماره ۴، جلد ۱۳.

Benito, M., & Romero, R. (2011). Improving quality assessment of composite indicators in university rankings: A case study of French and German universities of excellence (working paper 11-20). Statistics and Econometrics, 15. Department de Statistical, Universidad Carlos III de Madrid.

Birnbaum, R. (1998). How colleges work: the cybernetics of academic organization and leadership. California: Jossey- Bass Inc.

Buela-Casal, G., Gutierrez-Martinez, O., Bermudez-Sanchez, M. P., & Vardillo-Munoz, o. (2007). Comparative study of international academic rankings of universities. (Vol. 71, No. 3, pp 349-365).

Dimitrios, A., Giannias, Eleni Sfakianaki. (2012). Short and Long Run University Rankings: The Case of Greek Departments of Economics. Hellenic Open University, Patra, Greece. US-China Education Review B 8 (2012) 726-740. Earlier title: US-China Education Review, (ISSN 1548-6613).

Goken Arkali Olcay, Melih Bulu. (2016). Is measuring the knowledge creation of universities possible? Elsevier Inc.

Jeremic, V., Bulajic, M., Martic & Radojicic, Z. (2011). A fresh approach to evaluating the academic ranking of world universities. 84: 587- 596.

Muhammad, I. (2011), Ranking of university. retrieval 20/8/2011, from: http://qa.nust.edu.pk/downloads/Ranking_of_Universities_M_Ismail.

Pusser, B., Marginson, S. (2013). University ranking in critical perspective, The Journal of Higher Education. (Vol. 84, No 4, pp. 544-568).

- Rocki, Marek. (2005). Statistical and mathematical aspects of ranking: Lessons from Poland. Higher Education in Europe, 30 (2): 173-181.
- Ruth Dixon, Christopher Hood. (2016). A Recipe for Success? Sociologies du Travail. (volume 58, Issue 4, pages 403-411).
- Shin Jung Cheol, Toutkoushian R. K., Teichler Ulrich. (2011). University ranking: Theoretical bases, Methodology, and impacts on global higher education. London: Springer Science.